

مسئله شناسی فرهنگی قاچاق کالا و ارز در بعد اجتماع و فرهنگ

از منظر دینی

سید محمد سید محسنی باغضنگانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۳۱

چکیده:

در این تحقیق برای تبیین پدیده قاچاق به عنوان یک معضل چند بعدی (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ...) که معلول زمینه های متعددی است، ازالگوی فرآیندی-مرحله ای سیاستگذاری استفاده شده است. در این نگاه ابعاد فرهنگی می‌تواند یکی از زمینه های وقوع پدیده قاچاق باشد. از آنجا که فرهنگ در نگاه صدرایی پدیده ای لایه لایه و ذو ابعاد است در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی صرفا مسائل فرهنگی در لایه باورها و عقاید دینی که زمینه ساز بروز انحراف اجتماعی به طور عام و قاچاق به طور خاص می‌شود در دو سطح خرد و کلان بررسی می‌شود.

وازگان کلیدی:

مسئله شناسی فرهنگی، قاچاق، سیاستگذاری فرهنگی، نظریه فرهنگ

^۱ - دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)

مقدمه و طرح مسئله:

پدیده قاچاق همواره یکی از مسائل جدی نظام حقوقی و اقتصادی کشور بوده است. اگر چه ارائه آمار دقیق از این پدیده به دلیل ماهیت آن کمی دشوار به نظر می‌رسد اما از حدود ۱۰ میلیارد دلار (بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان) تا ۲۵ میلیارد دلار (حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان) گزارش شده است، که عالی ترین مقام‌های مسئول کشوری حدود ۳۴ هزار میلیارد تومان تا ۵۵ هزار میلیارد تومان را قابل استناد دانسته اند (پورمحمدی، ۱۳۹۴). این رقم قابل ملاحظه می‌تواند علاوه بر تاثیرات مستقیم اقتصادی و امنیتی، نشان دهنده حجم تاثیرات غیر مستقیم فرهنگی و سیاسی و اجتماعی این پدیده نیز باشد.

اگر چه ابتدا توسل به روش‌های امنیتی، حقوقی و انتظامی برای حل این مسئله اجتماعی موجه به نظر می‌رسد -که در جای خود ضروری و غیر قابل کتمان نیز هستند- اما مانند بسیاری از مسائل اجتماعی دیگر، عدم توجه به علت‌ها و ریشه‌های وقوع این معضلات و تمرکز بر نتایج به جای توجه به سرچشمه‌ها منجر به کم تاثیر شدن روش‌های امنیتی، حقوقی و انتظامی و باقیماندن اصل مسئله در سطح جامعه می‌شود. در میان ریشه‌ها و علتها‌یی متعدد پدیده قاچاق علاوه بر ریشه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... می‌توان به ریشه‌های فرهنگی آن نیز اشاره کرد. بر این اساس مطالعه قاچاق از منظر دانش سیاستگذاری فرهنگی می‌تواند به شناخت علتها و سرچشمه‌های وقوع قاچاق و حرکت در جهت حل بلند مدت و ریشه‌ای این معضل سودبخش باشد. مسئله اصلی در این تحقیق مسئله شناسی فرهنگی قاچاق از منظر دینی است.

هدف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق بازخوانی پدیده قاچاق بر اساس دانش سیاستگذاری فرهنگی و شناسایی مسائل فرهنگی موثر بر این پدیده از منظر دینی است.

مروری بر تحقیقات پیشین

تاری و غلامی باغی (۱۳۸۹) در مقاله‌ی تاثیر متقابل فرهنگ و قاچاق کالا به بررسی ریشه‌های فرهنگی قاچاق می‌پردازد. از نتایج این تحقیق، بررسی تاثیر فرهنگ اجتماعی، فرهنگ محیطی، فرهنگ روانی، فقر فرهنگی، فرهنگ مصرفی، فرهنگ تقابل ملت دولت،

فرهنگ تجارت سنتی، فرهنگ مسافرت و سوغات، فرهنگ قانون گریزی بر پدیده قاچاق است. در این تحقیق توجه لازم به ارائه تعریفی چارچوبمند از فرهنگ و همچنین بررسی آن از منظر دینی دیده نمی‌شود.

عبدالمحمدی (۱۳۸۸) در مقاله‌ی مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی موثر بر قاچاق کالا در ایران بر تاثیر توسعه ناموزون نظام اجتماعی بر تکرار اقدام قاچاقیچان در امر قاچاق تاکید می‌کند. و راهکارهای پیشنهادی ایشان شامل تاکید رهبران مذهبی بر حرمت شرعی قاچاق کالا، افزودن بر ابعاد حیثیتی و اجتماعی مجازاتهای تقویت پیوند میان ملت و دولت و ترویج راه قناعت و ساده زیستی توسط رهبران فکری و مذهبی می‌شود. اگر چه پیشنهادهای نهایی رنگ و بویی دینی دارند اما در این تحقیق بیشتر از منظر توسعه ناموزون اقتصادی- اجتماعی به پدیده قاچاق پرداخته شده است.

موسایی و احمدزاده (۱۳۸۹) در مقاله‌ی بررسی رابطه‌ی بین آموزش اجتماعی و ارتکاب به قاچاق کالا، آموزش را مورد مطالعه قرار داده و به نتایجی مانند وجود ایهامات در قانون و استنباطهای متفاوت از آن، عدم مخالفت صریح روحانیون اهل تسنن با قاچاق، فقر، بیکاری، سطح پایین سواد، زندگی در خانواده‌های نابسامان، داشتن خانواده‌های پر جمعیت و ... رسیده است.

در تحقیقات دیگر نظری عباسیان و ابراهیم زاده (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل و دلایل قاچاق در استان سیستان و بلوچستان و راهکارهای رفع آن؛ شکیبایی (۱۳۷۸) در قاچاق کالا، علل، آثار و شاخص‌های اندازه‌گیری آن رضویان و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی قاچاق کالا از مرزهای جنوب ایران همه به گونه‌ای عوامل اجتماعی و فرهنگی قاچاق را بررسی می‌نمایند.

در جمع بندی این تحقیقات می‌توان اشاره کرد که اگر چه عوامل اجتماعی فرهنگی قاچاق پرسشی مهم برای محققان محسوب می‌شود اما مطالعه از منظر سیاستگذاری فرهنگی و تاکید بر منظر فرهنگ دینی در کارهای پیشین ملاحظه نمی‌شود.

چارچوب تحقیق: مدل مرحله‌ای- فرآیندی در سیاستگذاری فرهنگی

یکی از مطرحترین تعاریفی که از «سیاست عمومی» ارائه شده، عبارت است از هر آن‌چه که حکومتی انتخاب می‌کند تا انجام دهد یا انجام ندهد. (Dye, 2005, 1) بر اساس این تعریف از سیاست عمومی، می‌توان «سیاست فرهنگی» را نیز «هر آن‌چه حکومتی انتخاب می‌کند که در عرصه‌ی فرهنگ انجام دهد یا انجام ندهد»، دانست. به عبارت دیگر سیاست گذاری فرهنگی عبارت است از «اراده دولت در ایجاد یا تحکیم و یا تغییر مقررات و تنظیمات در عرصه‌ی فرهنگ» (وحید، ۱۳۸۶، ۲۸۸).

با این مبنا ملاحظه می‌شود در آثار تخصصی رشته سیاست گذاری، تصمیم‌گیری دولتی به مراحلی تقسیم شده تا وجوده گوناگون و لایه‌های پیچیده سیاست های دولتی بیشتر نمود یابد. تکثر موضوعی سیاست های عمومی و اقتضائات خاص هر یک از این سیاست ها از سویی و ساز و کارهای تصمیم‌گیری در دیوان سالاری دولتی برای مواجهه با مسائل گوناگون از سوی دیگر سبب شده است که سیاست پژوهان، این روند را تحت عنوان مدل مرحله‌ای سیاست گذاری عمومی یا چرخه سیاست گذاری، به مراحل گوناگونی تقسیم کنند. البته می‌توان گفت بطور کلی سیاست گذاری در فرایند سه مرحله‌ای شکل‌گیری؛ اجراء و ارزیابی تحقق می یابد. اما برخی صاحب‌نظران با تفصیل بیشتر این فرایند را در شش مرحله‌ی شناخت و درک مسئله، ارجاع و طرح مسئله در سازمان‌های عمومی، تهیه و تدوین خط‌مشی، مشروعيت بخشی به خط‌مشی، ابلاغ و اجرای خط‌مشی و ارزیابی و کسب بازخورد از عملکرد خط مشی تعریف کرده‌اند. (قلی پور، ۱۳۸۹، ۴۸)

در این تحقیق بر اساس چهار چوب پنج مرحله‌ای به شرح ذیل به مطالعه مسائل فرهنگی حوزه قاچاق خواهیم پرداخت:

- ۱- تشخیص و صورت بندی مسئله؛
- ۲- مبانی نظری و شناسایی راه حل‌ها؛
- ۳- تصمیم‌گیری؛
- ۴- اجرا، نظارت و انتخاب ابزار سیاست گذاری؛
- ۵- ارزیابی سیاست اجرشده. (اشتریان، ۱۳۹۱: ۱۸)

روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی، و به لحاظ روش جمع‌آوری آمار و اطلاعات، از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده و نوع تحقیق توصیفی است.

قاچاق:

تعریف:

در لغت نامه‌ها در تعریف قاچاق آمده که آنچه ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۸).

در قوانین داخلی نیز تعاریف متعددی از قاچاق ملاحظه می‌شود. به عنوان نمونه در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز آمده که " فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود" - قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۹۲) بند الف، ماده (۱).

در یک جمع بندی دیگر از قوانین متعدد نیز ذکر شده است که "از مجموعه قوانین مربوط به تعاریف موردی قاچاق در موضوعات مختلفه و مطالعه تطبیقی چنین استنباط و نتیجه گیری می‌شود، قاچاق عبارت است از وارد کردن یا خارج کردن متقلبانه موضوع حق یا حقوق دولت یا کالای ممنوعه یا انحصاری، یا اظهار، واگذاری، حمل و نقل، نگهداری، عرضه و فروش، ساخت، تولید، تغییر مورد مصرف، اقدام، صید، مخفی کردن، واسطه گری، تردد، تاسیس، استرداد یا هرگونه تقلب گمرکی ناقض قانون خاص محدود کننده آن قاچاق و یا در حکم آن محسوب می‌شود". (احمدی، ۱۳۸۲، ۴۲)

با اینکه در قوانین و ضوابط متعدد داخلی و خارجی تعاریف متعددی از قاچاق ارائه شده است از آنجا که در این تحقیق ابعاد فرهنگی این پدیده بیشتر مد نظر است بعنوان جمع بندی به نظر می‌رسد به این تعریف بسته کنیم که قاچاق کالا نوعی کجرویی علیه حقوق عمومی و قوانین دولتی به شمار می‌رود که در آن با هدف سود اقتصادی نقل و انتقال کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی اتفاق می‌افتد.

أنواع:

أنواع قاچاق با اختصار عبارتند از:

- الف) أنواع قاچاق ارز (يا پول نقد رایج کشورهای خارجی)،
- ب) قاچاق کالای تجاری
- ج) قاچاق سلاح و مهمات
- د) قاچاق آثار ملی و عتیقه (يعنى اشیائی با قدمت يکصد سال يا بیشتر
- هـ) قاچاق کالای دخانی، مواد افیونی و مخدر (مصطفی زاده ۱۳۹۳، ۲۰)

عوامل موثر بر قاچاق:

همانطور که در پیشینه تحقیق نیز ذکر شد برای پدیده قاچاق عوامل متعددی از جمله فقر، بیکاری، موقعیت جغرافیایی، تبعیض و بی عدالتی، توسعه نامتوازن، تشابهات فرهنگی با کشورهای همسایه، وضعیت حقوقی و قوانین گمرکی مالیات و عوارض گمرکی و ... ذکر شده است. (مصطفی زاده ۱۳۹۳: ۲۱).

اما علاوه بر علل مادی و خارجی فوق می‌توان از علل معنوی و درونی قاچاق هم سؤال نمود. در این فرض صرف بیکاری و فقر و یا سایر زمینه‌های خارجی نمی‌تواند فرد را ملزم به کجری علیه حقوق عمومی و قوانین دولتی نماید. فرض مخالف این مسئله هم به فهم بهتر نقش عوامل درونی و معنوی کمک خواهد کرد. یعنی مواردی که علی‌رغم فقر، بیکاری، آماده بودن زمینه از نظر مادی باز هم اشخاصی هستند که مرتکب این جرم نخواهند شد نشانده‌نده اهمیت پرسش از نقش فرهنگ در پیشگیری از قاچاق خواهد بود.

مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری فرهنگی:

نخستین مرحله‌ای که در روش سیاست‌گذاری فرهنگی مورد بحث قرار می‌گیرد، شناخت مسئله یا معضلی فرهنگی است که قرار است برای آن تدبیری اندیشیده شود.

از نظر تکنیکی هم صورت بندی مسئله فرهنگی، یکی از عوامل اساسی موفقیت سیاست های فرهنگی است. موضوع های فرهنگی خصیصه ای سیال، غیر شفاف و مبهم دارند. به این لحاظ، سیاست گذاری معطوف به معضلات عینی و صورت بندی دقیق مسئله ای فرهنگی (یا به عبارتی تحریر محل نزاع) برای سیاست گذار فرهنگی، ضروری است. (اشتریان، ۱۳۹۱: ۳۸)

سؤال از چرایی مشکل، ابعاد و مبانی نظری، نتایج ناشی از آن و ... در این مرحله طرح می شود. از این رو باید سیری از کل به جزء طی شود تا موضوع کلان مورد مشاهده به شکل سؤالاتی (مشکلاتی) مشخص و محدود درآید. در این مرحله تفکیک های متعددی برای حصول این مقصود صورت می گیرد. تفکیک حوزه‌ای (بخشی)، تفکیک شرح وظایفی، تفکیک جمعیت هدف و تفکیک محتوایی و... (بیشین) تفکیک محتوایی که ناظر بر تعریف دقیق مسئله مورد نظر، بر شمردن ارکان و اجزاء آن و لایه های آن می شود.

در حوزه قاچاق تفکیک محتوایی می تواند شامل: تعریف دقیق قاچاق از منظر فرهنگی، بر شمردن ارکان و اجزاء آن، لایه های معرفتی مقدم برآن و جدا کردن مرزهای آن با مفاهیم نزدیک و شبیه باشد.

تفکیک حوزه‌ای (بخشی): در این تفکیک تصمیم‌گیران باید یکی از بخش‌های مورد نظر را که از تفکیک محتوایی فو ق الذکر به دست آمده برگزینند و سازوکار عملی و کیفیت تأثیرپذیری و چگونگی تجلی کج روی علیه حقوق عمومی در بخش مورد نظر را تجزیه و تحلیل کنند.

تفکیک شرح وظایفی: شرح وظایف سازمان‌ها و نهادهای عمومی به خودی خود آن‌ها را در حیطه‌های خاصی محدود و موضوع های فرهنگی را برای آن‌ها تفکیک می کند. این تفکیک از بالا به پایین صورت می گیرد.

تفکیک جمعیت هدف. جمعیت هدف یا واحد مورد عمل سیاست گذاری باید به عنوان «واحد تحلیلی» به دقت ارزیابی شود. بی تردید شناخت تحلیلی گروه‌های سنی، شناخت ویژگی‌های روحی روانی و اجتماعی گروه‌های مختلف، تشخیص لایه یا طبقه ای که باید

تحت عمل سیاستی قرار گیرد و ...، سیاست‌گذار را در طرح ریزی سیاست‌های دقیق و متناسب با هر گروه یاری می‌دهد. تفکیک بر اساس جمعیت هدف، سیاست‌گذار را به درنظر گرفتن ویژگی‌های روانی، اجتماعی و سیاسی خاصی در سیاست‌های فرهنگی ملزم می‌کند.

نظریه فرهنگ صدرایی

از سوی دیگر انتخاب منظر و تعریف فرهنگ تاثیر بسزایی در مسئله شناسی فرهنگی دارد. در حقیقت اولین مرحله در سیاست‌گذاری فرهنگی تعریف فرهنگ و شناسایی متغیرهای اساسی آن است. این موضوع آنقدر اهمیت دارد که دامنه و گستردگی سیاست‌ها و حیطه عمل مدیران، شناسایی متغیرها و تعیین شاخص‌ها، قالب‌های مشخص سیاستی و ... را تعیین می‌کند (اشتریان، ۱۳۹۱: ۲۵).

تعاریف زیادی نیز برای این اصطلاح ارائه شده است. تعدد این تعاریف به حدی است که فقط ۱۶۴ مورد از این تعاریف در کتاب «تعاریف و مفاهیم فرهنگ» ذکر شده است (آشوری ۱۳۸۰، ۱۸).

تعریف منتخب در این مقاله نظریه فرهنگ مبتنی بر مبانی حکمت اسلامی است. در این نگاه فرهنگ، در حقیقت صورت تنزليافته معنا به عرصه فهم عمومی و رفتارهای مشترک و کنش‌های اجتماعی است. معانی در این مقام از زاویه ذهن و گوشه رفتار فرد، خارج شده و به متن زندگی و رفتار اجتماعی وارد می‌شوند و باورها، عادات‌ها، نهادها و کنش‌های اجتماعی را شکل می‌دهند. (پارسانیا، ۱۴۲۶، ۱۳۹۲)

افراد انسانی به دلیل اتحاد عالم و معلوم، و اتحاد عامل و معمول از طریق اتحاد با هر مجموعه از معانی که از لایه‌ها، سطوح و اجزای مرتبط و منسجم برخوردارند، ضمن آن که هویت خود را شکل می‌دهند. راه ورود آن مجموعه را به عرصه زندگی اجتماعی هموار می‌کنند که فرهنگ نام دارد (پارسانیا، ۱۴۶، ۱۳۹۲)

این فرهنگ خود از سطوح و لایه‌های متعددی برخوردار است. نمادها، کنشها، هنجارها، ارزشها و عقاید و ... در لایه‌های مختلفی قرار می‌گیرند. هنجارها و ارزشها، پدیده‌هایی هستند که در لایه‌هایی عمیقتر از کنشهای اجتماعی افراد قرار می‌گیرند. عمیقترین

لایه‌های اجتماعی عقاید کلانی هستند که بر آرمانها و ارزش‌های اجتماعی و بر نمادها و کنش‌های انسانی تأثیر می‌گذارند. باور و اعتقادی که انسان نسبت به اصل جهان و جایگاه خود در آن دارد و تفسیری که از زندگی و مرگ خود ارائه میدهد، از عمیقترين پدیده‌های اجتماعی هستند. جامعه‌ای که جهان را به زندگی دنیا محدود کند و دل به این جهان سپرده باشد؛ آرمانها، ارزشها، هنجارها و نمادهای خود را مناسب با آن شکل میدهد و جامعه‌ای که جغرافیای هستی را فراتر از زندگی دنیا می‌بیند، جایگاه انسانی، آرمانها، ارزشها، حقوق و تکالیف خود را مناسب با آن سازمان میدهد (پارسانیا، ۱۴۰، ۱۳۹۲).

در ادامه بر اساس تعریف فوق از فرهنگ و با توجه به اینکه در این نوشه که به قاجاق به عنوان یک کج روی علیه حقوق عمومی و قوانین حکومت اسلامی با هدف کسب مال نامشروع نگاه می‌شود؛ تنها به مسائل لایه عمیق فرهنگ که همان دین باشد در دو سطح پرداخته خواهد شد. در سطح کلان بر اساس سنج شناسی فرهنگها بدنیال گونه‌هایی از فرهنگ خواهیم پرداخت که زمینه کلی برای چنین کج روی را فراهم می‌کند و در سطح خرد مصادیق مسائل فرهنگی دینی که بستر ساز قاجاق هستند را مطالعه خواهیم کرد.

نگاه کلان: سنج شناسی فرهنگ از منظر فارابی

بر اساس تعریف این مقاله از فرهنگ، در بررسی تفاوت‌ها و تقسیم بندی نظامات اجتماعی، این لایه‌های عقیدتی و معرفتی هستند که نقش برجسته پیدا می‌کنند. در حقیقت بسته به چیستی لایه‌های زیرین فرهنگ سایر روابط در لایه‌های رفتاری و گرایشی رقم خواهد خورد. در نتیجه هر فرهنگی بستری برای بروز رفتارهای خاص خود خواهد بود و بالعکس رفتارهای مشخص در زمینه‌های مشخص بروز خواهند کرد. اگر چه در این نگاه کل نگر مصداقاً از کج روی خاصی بحث نمی‌شود، اما در حقیقت مسئله شناسی فرهنگی را در سطح کلیت نظام فرهنگی و عنصر محوری آن مطرح می‌کند. نمونه بارز چنین مطالعاتی در حکمت اسلامی مباحث فارابی است.

در نگاه فارابی آنچه می‌تواند مورد توجه باشد وجه معرفتی و نظام دانایی جوامع است. بر این اساس وی ابتدا جوامع را به دو دسته «فضلله» و «غیرفضلله» سپس، جوامع

غیرفاضله را به «ضاله»، «جاهله» و «فاسقه» تقسیم می نماید. خلاصه آنکه مبنای طبقه‌بندی دولتهای متضاد مدینه فاضله نظام و تاسیسات مدنی نیست، بلکه آراء و اعتقادات اهل مدن است. (داوری، ۱۳۸۹، ۲۱۳)

به عنوان مثال در مدینه فاضله از آنجا که در بنیادی ترین لایه فرهنگ، هدف نهایی سعادت قصوی که در نظر فارابی اتصال با حق (فارابی، ۱۴۰۵، ۷۰) و اتصال با عقل فعال (دو تعبیر حق و عقل فعال به عنوان سعادت قصوی قابل جمع‌اند) برای دریافت صور و همخوان شدن در صفت «حکمت الهی»(فارابی، ۱۹۷۴، ۲۳) است، اگرچه اهالی مدینه فاضله از یک صنف نیستند و دارای طبقاتی گوناگون هستند؛ ولی به هر حال به نحوی تعاون و تعاضد برای دست یابی سعادت، بین آن‌ها برقرار است (فارابی، ۱۳۸۸، ۴۵) در چنین جامعه‌ای از آنجا که افراد سعادت خود را شناخته‌اند همبستگی فرهنگی بین آنها برقرار است و تدبیر امور و قانونگذاری مطابق دریافت رئیس مدینه از سعادت صورت می‌گیرد. (جمعی از نویسنگان، ۱۳۷۸، ۴۵) مسئله‌ای به نام کج روی را شاهد نیستیم.

در مقابل انواع مدینه‌های دیگر را نام می‌برد که وجه برجسته هر کدام، عنصر بنیادین عمیق ترین لایه فرهنگ هر جامعه است: مدینه‌جاهله، مدینه‌ای است که اهل آن سعادت حقیقی را نشناخته و در جستجوی آن هم نبوده‌اند، بلکه به دام لذات پوچ زندگی افتاده‌اند، نظیر سلامت جسمانی و حبّ بقا (مثل مدینه ضروریه) و ثروت (نذاله) یا کسب جاه و افتخار (مدینه کرامت) یا غلبه و تسلط بر دیگران (مدینه تغلبیه) و یا آزادی امیال و لجام گسیختگی (مدینه جماعیه). در مجموع همانطور که ذکر شد، آنچه ملاک شناسایی و تقسیم‌بندی فارابی در جوامع فوق بوده، آراء و عقاید و معرفت اعضاً مدینه نسبت به غایت و سعادت زندگی بوده است. (رک: خوشرو: ۱۳۷۲)

به عنوان مثال در مدینه نذاله هدف و غرض اهالی این مدینه جمع ثروت است و ثروت را نه برای هدف نیک و صحیح؛ بلکه مال و منال را فی نفسها مقصود و غایت آن‌ها هستند. رئیس این مدینه کسی است که تدبیرش در جمع آوری اموال و حفظ آن بیشتر

باشد. این‌ها یا با اراده ثروت می‌اندوزند مثل تجارت یا از طریق غیر ارادی مثل دزدی، شبانی، و شکاری بدست می‌آورند. (خوشرو، ۱۳۶۵: ۱۳)

همانطور که ملاحظه می‌شود در مسئله شناسی فرهنگی با رویکرد کلان، بروز کج روی اجتماعی نتیجه محوریت یافتن عناصری نظری ثروت اندوزی، جاهطلبی، قدرت طلبی و... در لایه زیرین فرهنگ هر جامعه است و در صورت حاکم شدن هر کدام از این موارد، نوع خاصی از روابط در جامعه رقم خواهد خورد. اگر چه نقطه ضعف رویکرد کلان عدم التفات جزئی به مصادق خاصی از کج روی از جمله قاچاق است- اما در فرآیند مسئله شناسی فرهنگی بصیرت قابل تأملی در مواجهه با مسئله ایجاد خواهد کرد. فهم هر پدیده ای در نسبتی با کلیت نظام فرهنگی و اجتماعی، پرهیز از جزء نگری و توجه به تغییرات عمده اجتماعی از مزایای مسئله شناسی با رویکرد کلان است.

نگاه خرد:

از منظر دینی با رویکرد خرد هم می‌توان به مسئله شناسی فرهنگی پرداخت؛ در این نگاه از آنجا که قاچاق کج روی علیه حقوق عمومی و قوانین حکومت اسلامی با هدف کسب مال نامشروع بشمار می‌رود؛ می‌توان در لایه باورها و عقاید، اشارات و ریشه‌هایی را در متون و منابع دینی یافت که مسائل و زمینه‌ها و بستر بروز کج روی قاچاق محسوب می‌شوند. البته ذکر این نکته ضروری است که بحث نسبت قاچاق در مفهوم موسع امروزین با ادبیات فقهی- حقوقی دینی در جای خود نیاز به کنکاش و بررسی دارد که از حوصله این مقاله خارج است؛ اما به تکیه به تعریف "کج روی علیه حقوق عمومی و قوانین حکومت اسلامی با هدف کسب مال نامشروع"، مسائل مربوط به نقض قوانین دینی با هدف کسب مال حرام را دردو دسته مستقیم و غیر مستقیم بررسی می‌کنیم:

مستقیم:

نگاه شرک آلد ب رزق و عدم توکل به خداوند در روزی دهی به انسان:

یکی از مسائل فرهنگی از منظر دینی ترس از فقر و فهم غلط از نظام رزق و روزی و در نتیجه افتادن در دام حرامخواری است. در نگاه دینی شیطان از طریق وعده و ایجاد ترس از فقیر شدن انسانها را به ترک خیر وادرار می‌کند: "الشیطان يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَ اللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلَيْهِ"^۱ شیطان شما را از فقر و تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وامی دارد و [الی] خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می‌دهد، و خداوند گشايشگر داناست.

در حالیکه از نگاه اسلامی روزی رسان خداست: "إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ"^۲ و این موضوع به کرات در آیات دیگر تصریح شده است "وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا"^۳ هیچ جنبدهای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست، "وَكَائِنٌ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرِزُّهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ"^۴ چه بسا جنبدهای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شما را روزی می‌دهد، و او شنوا و داناست و "وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِين"^۵ و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم، و همچنین برای کسانی که شما نمی‌توانید به آنها روزی دهید.

^۱ بقره ۲۶۸

^۲ الذاريات : ۵۸

^۳ هود: ۶

^۴ عنکبوت: ۶۰

^۵ حجر/ ۲۰

و در روایات متعدد نیز بر این مسئله تاکید شده است: "ای آدمی زاده! من تو را از خاک و سپس از نطفه بیافریدم و در آفرینش تو ناتوان نماندم. آیا رساندن به موقع گرده نانی به تو، مرا درمانده می سازد؟"^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ۲۱)

یا در روایت دیگر داریم که: "از جمله اندرزهای لقمان به فرزندش این بود که: فرزندم! کسی که در به دست آوردن روزی، یقینش [به خدا] اندک و نیتش [به روزی رسان] سست است، باید از این نکته عبرت آموزد که خداوند تبارک و تعالی او را در سه مرحله از خلقتش روزی داد، بدون آن که خودش در آنها تلاش و تدبیری داشته باشد. پس، خداوند تبارک و تعالی در مرحله چهارم نیز روزی او را خواهد داد... [مرحله اول] در رحم مادرش... و [مرحله دوم] از شیر مادرش [بود]... و [مرحله سوم] از درآمد والدینش روزی او را داد... تا آن که بزرگ و فهمیده شد و مستقلأً به کسب درآمد پرداخت. در این هنگام، بر خود سخت گرفت و به پروردگارش بدگمان شد و از ترس

تنگدستی و یقین نداشتند به جایگزین کردن نعمت از سوی خداوند تبارک و تعالی، حقوق [خدا و مردم] در مال خود را نادیده گرفت و خود و خانواده اش را در سختی و تنگنا قرار داد"^۲ (محمدی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۴۲۴) با این اوصاف ترس از احتمال فقر و گرسنگی نمی‌تواند توجیه کننده حرامخواری باشد.

۱) الْوَحْيُ الْقَدِيمُ : يَا بْنَ آدَمَ، خَلَقْتُكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ فَلِمْ أَعِيْ بِخَلْقِكَ أَوْ يُعِيْنِي رَغْيفٌ أَسْوَقُهُ إِلَيْكَ فِي حَيْنِيْ؟!

۲) الْإِمَامُ عَلَىٰ عَلِيهِ السَّلَامُ : كَانَ فِيمَا وَعَظَّ بِهِ لِقَمَانُ ابْنَهُ أَنْ قَالَ لَهُ : يَا بْنَيَّ، لِيَعْتَبِرُ مَنْ قَصْرَ يَقِيْنَهُ وَضَعَفَتْ نِيَّتُهُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَهُ فِي ثَلَاثَةِ أَحْوَالٍ مِنْ أَمْرِهِ ، وَأَتَاهُ رِزْقَهُ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ فِي وَاحِدَةٍ مِنْهَا كَسْبٌ وَلَا حِيلَةٌ ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيِّرَتُهُ فِي الْحَالِ الرَّابِعَةِ ... فِي رَحْمِ أُمِّهِ ... مِنْ لَبِنِ أُمِّهِ ... مِنْ كَسْبِ أَبَوِيْهِ ... حَتَّى إِذَا كَبَرَ وَعَقَلَ وَاَكْتَسَبَ لِنَفْسِهِ ضَاقَ بِهِ أَمْرُهُ وَظَنَّ الظُّفُونَ بِرِبِّهِ ، وَجَحَدَ الْحُقُوقَ فِي مَالِهِ وَقَتَرَ عَلَى نَفْسِهِ وَعِيَالِهِ ، مَخَافَةً إِقْتَارِ رِزْقٍ وَسُوءَ يَقِينٍ بِالْخَلْفِ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى.

طعم، آرزو و رقابت باطل

یکی از مسائل فرهنگی از نگاه دینی که منجر به خروج از قوانین و حرامخواری می‌شود رقابت و آرزوپردازی است. پس از اینکه قرآن کریم در آیات ۲۹ تا ۳۱ سوره نساء از خوردن مال حرام به شدت نهی می‌کند "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْتَكُمْ بِالْبَاطِلِ" و در آیه بعدی ریشه حرام خواری را بیان می‌کند و آن را در طمع، آرزو و رقابت باطل می‌داند. در واقع در آیه ۳۲ سوره نساء به ریشه مال حرام اشاره می‌نماید تا مشخص شود در اسلام مسائل اقتصادی و اخلاقی بهم آمیخته‌اند.

"وَ لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِّرِجَالٍ نَصِيبٌ مِمَّا أَكْتَسَبُوا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا أَكْتَسَبْنَ وَ سُئُلُوا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا" و آنچه را که خداوند سبب برتری بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکید. برای مردان از آنچه بدست آورده‌اند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده اند بهره‌ای می‌باشد و (به جای آرزو و حسادت) از فضل خداوند بخواهید، که خداوند به هر چیزی داناست.». در واقع فهم اشتباه از فلسفه تفاوتها و رقابت باطل منجر به ورود انسان به حرامخواری خواهد شد.

همچنین در بیان سرنوشت قارون نیز این آرزو و رقابت به خوبی بیان می‌شود که ابتدا از جلوه و برتری مالی او یاد می‌شود "وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنْتُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ" ۱ ما آنقدر از گنج‌ها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یک گروه زورمند مشکل بود. و در ادامه واکنش اطرافیان را بیان می‌کند که "قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍ عَظِيمٍ" ۲ آنها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره عظیمی دارد.

۱ قصص: ۷۶

۲ قصص: ۷۹

در مقابل قرآن علاوه بر اینکه فلسفه این تفاوتها را بیان می‌کند، راه حل مسئله را هم در عدم مقایسه و چشم دوختن به زرق و برق این زندگی‌ها معروفی می‌کند: "فَلَا تُعْجِنْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ" ۱ مباداً اموال و فرزندانشان مایه شگفتی تو گردد. "وَلَا تَمْدَنَّ عَيْنِيكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَرْوَاجًا مِنْهُمْ رَهْرَةً الْحَيَاةِ الدُّنْيَا" ۲ و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی، که به گروههایی از آنان داده‌ایم، می‌فکن، اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست.

دنیا پرستی

یکی دیگر از مسائل فرهنگی از نگاه دینی دنیا پرستی است. این مسئله ریشه بسیاری از گناهان اعم از مالی و غیرمالی است به طوری که در این از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نیز آمده است که فرمود: دنیاپرستی سرآغاز فتنه‌ها و ریشه همه محنتها و رنج هاست.^۳ (تمیمی، ۱۴۱۰، ج ۱، ۳۴۸)

در حدیث دیگری از امام علی (علیه السلام) به صراحت محبت دنیا را سبب رها کردن مواهب جاودانه برای رسیدن به لذت‌های زودگذر معرفی می‌کند: از شیفته شدن به دنیا بپرهیز ، که برای تو بدیختی و گرفتاری می‌آورد و موجب می‌شود که آنچه را ماندنی است ، به آنچه رفتنی است ، بفروشی.^۴ (تمیمی، ۱۴۱۰، ج ۱، ۱۷۱)

اگر چه دنیاپرستی در نگاه دینی مسئله مشترک همه انواع گناهان محسوب می‌شود، اما در مسئله مورد نظر این مقاله میل به کسب ثروت از طریق نقض قوانین آن را به طور برجسته‌ای مطرح می‌کند.

۱ توبه ۵۵/

۲ ۱۳۱/۲

۳ حب الدنيا راس الفتن و اصل المحن:

۴ إِيَّاكَ وَالْوَلَهَ بِالْدُّنْيَا : فَإِنَّهَا تُورِّثُكَ الشَّرَّاءَ وَالْبَلَاءَ ، وَتَحْذِيْكَ عَلَى تَبْيَعِ الْبَقَاءِ بِالْفَنَاءِ

زياده خواهی و حرص:

عدم قناعت و روحیه حرص و زیاده خواهی هم از آسیب های فرهنگی مورد توجه اسلام است که زمینه ساز ورود به گناهان و افتادن به ورطه حرامخواری می شود: امام علی علیه السلام می فرمایند: آزمندی و تکبّر و حسادت، انگیزه های فرو رفتن در گناهان است^۱ (دشتی، ۱۳۸۷، ۵۲۰)

در واقع میل به فراتر رفتن از حد نیاز موجب می شود که انسان دیگر به هیچ حدی بسته نکند و این نکته زمینه ورود شخص به کسب مال حرام و تجاوز به قوانین می شود: "حضرت علی(ع) فرمود: «هر که از دنیا به مقداری که نیازش باشد، راضی شود، کمترین چیز دنیا کفایتش می کند، و هر که به اندازه ای که نیازش باشد راضی نشود، چیزی از دنیا کفایتش نمی کند.»^۲ (کلینی، بی تا، ج ۳، ۲۰۹)

نبود کرامت نفس

مسئله نقض قوانین و کسب مال حرام از زوایه کرامت نفس نیز قابل توجه است. کرامت به معنای نزاهت از پستی و فرومایگی است و کریم یعنی روح بزرگوار و منزه از هر پستی. بدین معنا، کرامت در برابر دنائت قرار می گیرد . بر این اساس نبود کرامت یکی از مسائلی است که زمینه بروز کج روی را فراهم می کند: امام علی (ع) می فرماید: آدم پست، با فضایل اخلاقی صدیت دارد و جامع همه پستی هاست.^۳ (تمیمی، ۱۴۱۰، ۱، ج ۱۲۶)

۱ الإمام علیؑ عليه السلام : الْحِرْصُ وَ الْكِبْرُ وَ الْخَسْدُ دَوَاعٍ إِلَى التَّقْحِيمِ فِي الدُّنْوِبِ .

۲ مَنْ رَضِيَّ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ كَانَ أَيْسَرُ مَا فِيهَا يَكْفِيهِ وَ مَنْ لَمْ يَرْضَى مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ يَكْفِيهِ.

۳ اللئوم مضادة لسائر الفضائل و جامع لجميع الرذائل

بر این اساس کرامت نفس است که موجب بی مقداری دنیا در نظر فرد می گردد: کسی که دارای عزت و کرامت باشد دنیا در نظرش پست و بی ارزش است^۱ (حرانی، ۱۴۰۴، ۳۱۸)

در مقابل اگر فرد کرامت نفس خود را ازدست دهد، دنیا در پیش او ارج قرب پیدا خواهد کرد:

بلند مرتبه‌ترین مردم کسی است که اهمیت ندهد که دنیا در دست که باشد، هر کس که نفس خود را گرامی و بزرگوار شمارد دنیا در چشمش کوچک و بیقدرت است، و هر که نفس خود را پست و خوار دارد دنیا در نظرش بزرگ و با ارج است.^۲ (الشعیری، ۱۳۸۲، ۱۲۷)

غیرمستقیم

در آسیب‌های غیر مستقیم با مواردی مواجه می‌شویم که اگر چه مستقیماً به قاچاق و کجروی منجر به کسب مال حرام نمی‌شود، اما تاثیر بسزایی در رشد و بستر سازی اینگونه موارد دارد. نظیر:

فراموشی امر به معروف و نهی از منکر، تجمل‌گرایی و اسراف، کم ارزش شدن تلاش برای کسب حلال، عادی جلوه دادن حرامخواری و ...

راهکارهای عملی:

اگر چه برای عبور از مرحله مسئله شناسی و رسیدن به مرحله تجویز سیاستها و تدوین راهکارهای عملی نیاز به نگاه کل نگر و مطالعه همه ابعاد متعدد و پیچیده پدیده اجتماعی است (اشتریان، ۱۳۹۱، ۴۳) اما در جمع بندی این لایه از مطالعات باید اشاره

^۱ "من کرمت علیه نفسه هانت علیه الدنيا"

^۲ اعظم النّاس قدراً من لا ينالو الدّنيا في يد من كانت فمن كرمت علیه نفسه صغرت الدّنيا في عينيه، و من هانت علیه نفسه كبرت الدّنيا في عينيه.

شود، در یک نگاه کلان ریشه وقوع کج روی اجتماعی در یک جامعه، بنیادین ترین مولفه‌ها و مبادی مشترک بین اعضای آن جامعه است؛ تا هنگامیکه ثروت اندوزی، قدرت طلبی، جاه طلبی و ... مبنا و هدف اصلی اعضای یک جامعه یا گروه (اعم از جمعیت و وسعت آن) قرار بگیرد، خواه نا خواه شاهد وقوع انواع تعدیات به حقوق عمومی یا خصوصی در آن جامعه خواهیم بود. بالطبع راهکار عملی الهام گرفته شده از چنین تحلیلی نیز کلان و طولانی مدت خواهد بود و برنامه‌هایی در جهت اصلاح اهداف بنیادین این جامعه را می‌طلبد.

در بررسی جزئی تر موضوع، از آنجا که مسائلی نظیر نبود کرامت نفس، زیاده خواهی و حرص، دنیا پرستی، طمع، آرزو و رقابت باطل، نگاه شرک آلود به رزق و عدم توکل به خداوند در روزی دهی به انسان و ... ریشه بروز کج روی در منظر دینی هستند، راهکارهایی ناظر به اصلاح این مسائل در سه سطح باورها، گرایشها، و رفتار مناسب به نظر می‌رسد.

البته همانطور که پیشتر ذکر شد باید سیری از کل به جزء طی شود و تفکیک‌های متعددی برای تبدیل مسئله به راهکار عملی صورت گیرد: تفکیک حوزه‌ای (بخشی)، تفکیک شرح وظایفی، تفکیک جمعیت هدف و تفکیک محتوایی و... بخشی از این تفکیک‌ها خواهد بود. (اشتریان، ۱۳۹۱، ۳۸:). در حقیقت نتایج این تحقیق نقاط مورد نظر در لایه دینی را مشخص می‌کند که با ترکیب این نقاط با ویژگیهای مخاطب شناختی و تفکیک‌های حوزه‌ای و شرح وظایفی راهکارهای نهایی استخراج خواهد شد.

جمع بندی و نتیجه گیری:

ملاحظه کردیم که در مطالعه پدیده قاچاق از منظر سیاستگذاری فرهنگی، علاوه بر ابعاد اقتصادی، حقوقی، امنیتی و ... ابعاد متعدد دیگری هم از جمله ابعاد فرهنگی در وقوع آن مؤثر هستند. در ادامه و مبتنی بر نظریه فرهنگ صدرایی به مسئله شناسی فرهنگی این پدیده در دو سطح کلان و خرد پرداختیم. در سطح کلان ملاحظه شد که بنیادین ترین لایه فرهنگ در هر جامعه، لایه عقاید و نظام دانایی آن جامعه است. بر اساس نگاه

فارابی بسته به تفاوت جوامع در این قسمت، احوال و رفتار عمومی اعضای جامعه متفاوت خواهد بود. در حقیقت در مسئله شناسی فرهنگی قاچاق از یک منظر کلان عواملی مانند ثروت اندوزی، جاهطلبی، قدرت طلبی هنگامی محور تشکیل یک جامعه قرار می‌گیرند روابطی را رقم خواهند زد که یکی از پیامدهای آن قاچاق خواهد بود. در رویکرد خرد ملاحظه شد که مسائلی نظیر شرک در رزاقیت، حب دنیا، طمع، آرزو و رقابت باطل، حرص و ... مسائل فرهنگی هستند که از نگاه دینی و مستند به آیات و روایات منجر به سقوط شخص به کسب مال حرام از طریق تجاوز به قوانین حکومت اسلامی می‌شود و نیاز به برنامه ریزی فرهنگی در جهت حل این مسائل وجود دارد.

البته مطابق نظریه فرهنگ صدرایی، فرهنگ از لایه‌های متعددی تشکیل شده و در هر لایه به تناسب ویژگیهای آن لایه باید این مسئله شناسی صورت بگیرد، در این مقاله صرفا در لایه عقاید و باورهای دینی این مسئله بررسی شد. از آنجا که برای تکمیل مسئله شناسی از نگاه سیاستگذاری فرهنگی، مطالعه همه ابعاد پیچیده پدیده اجتماعی (اشتریان، ۱۳۹۱، ۴۳) با روش‌های کمی و کیفی خاص هر موضوع ضروریست، نتایج این تحقیق می‌تواند سرخ‌ها و محورهای تحقیقات آینده را جهت تکمیل ابعاد مسئله شناسی فرهنگی فراهم کند.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آشوری، داریوش؛ (۱۳۸۰) تعاریف و مفاهیم فرهنگ، تهران: آگاه،
- ۳- احمدی، عبدالله؛ (۱۳۸۲) جرم قاچاق، تهران، نشر میزان،
- ۴- اشتربان، کیومرث؛ (۱۳۹۱) مقدمه ای بر روش سیاستگذاری فرهنگی، جامعه شناسان، تهران،
- ۵- الشعیری، محمدبن محمد (۱۳۸۲ق) جامع الاخبار، تحقيق حسن المصطفوی، مرکز نشر الكتاب، طهران،
- ۶- پارسانیا، حمید؛ (۱۳۹۲) جهان‌های اجتماعی، قم، کتاب فردا، چاپ دوم
- ۷- پورمحمدی، مصطفی(۱۳۹۴)؛ مصاحبه با وزیر دادگستری qomefarda.ir ۱۴۳۸۲۵/news / سه شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۴
- ۸- تاری، فتح الله؛ غلامی باغی، سعید (۱۳۸۹)؛ تأثیر متقابل فرهنگ و قاچاق کالا؛ مهندسی فرهنگی، خرداد و تیر ۱۳۸۹ - شماره ۴۱ و ۴۲
- ۹- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ (۱۴۱۰) غرر الحكم و درر الكلم، دار الكتاب الإسلامي، قم، سال چاپ: ۱۴۱۰ ق
- ۱۰- جمعی از نویسندها؛ (۱۳۷۸) تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، تهران، سمت، چاپ اوّل
- ۱۱- حرانی ، حسن بن شعبه، (۱۴۰۴ق) ، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین
- ۱۲- خوشرو، غلامعلی (۱۳۷۲) شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن خلدون، تهران، اطلاعات
- ۱۳- خوشرو، غلامعلی؛ (۱۳۶۵) اجتماع و انواع آن از نظر فارابی، کیهان فرهنگی، بهمن ۱۳۶۵ - شماره ۳۵
- ۱۴- داوری، رضا؛ (۱۳۸۹) فارابی فیلسوف فرهنگ، تهران، سخن
- ۱۵- دشتی، محمد، (۱۳۸۷) ترجمه نهج البلاغه، انتشارات اسوه، تهران
- ۱۶- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، نشر بهار، سروازه «قاچاق» ۱۳۷۳

- ۱۷- رضویان محمد تقی خضرزاده اسعد، سلیمانی منصور؛ (۱۳۸۹) بررسی قاچاق کالا از مرزهای دریایی جنوب ایران؛ تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی (علوم جغرافیایی) : پاییز ۱۳۸۹ ، دوره ۱۵ ، شماره ۱۸ .
- ۱۸- شکیبایی علیرضا (۱۳۷۸)؛ قاچاق کالا، علل، آثار و شاخصهای اندازه‌گیری آن؛ سومین همایش ملی بررسی پدیده قاچاق کالا و راههای پیشگیری از آن . وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه تربیت مدرس - پژوهشکده اقتصاد ۱۳۷۸ .
- ۱۹- عبدالرحمدی امیر (۱۳۸۸)؛ مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی موثر بر قاچاق کالا در ایران؛ نظم و امنیت انتظامی؛ پاییز ۱۳۸۸ ، دوره ۲ ، شماره ۳
- ۲۰- عباسیان مجتبی؛ ابراهیم زاده حسین؛ (۱۳۸۹) بررسی عوامل و دلایل قاچاق در استان سیستان و بلوچستان و راه کارهای رفع آن؛ توسعه سازمانی پلیس؛ شماره : ۳۱ دوره هفتم مهر و آبان ۱۳۸۹
- ۲۱- فارابی، ابونصر محمد؛ (۱۴۰۵) فصوص الحكم، تصحیح و تعلیق؛ محمد حسن آل یاسین، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۵ قمری.
- ۲۲- فارابی، ابونصر محمد؛ (۱۹۷۴) فلسفة أفلاطون، نشره د. عبد الرحمن بدوى ضمن کتاب افلاطون فى الإسلام، طهران، ۱۹۷۴ م.
- ۲۳- فارابی، ابونصر محمد؛ (۱۳۸۸) فصول منتزعة، ترجمه و شرح فارسی؛ دکتر حسن ملکشاهی، سروش، تهران، ج دوم،
- ۲۴- قلی پور رحمت الله غلام پور ابراهیم (۱۳۸۹) " فرآیند سیاستگذاری عمومی در ایران " مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی تهران
- ۲۵- کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، تهران، انتشارات مجد چهارده معصوم، بی تا.
- ۲۶- مجلسی، محمد باقر؛ (۱۴۰۳) بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربي،
- ۲۷- محمدی ری شهری، محمد؛ (۱۳۸۶) میزان الحكمه، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر،

-۲۸-مصطفی زاده ، لیلا (۱۳۹۳) بررسی جرم شناختی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در مرز بازرگان، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق

گرایش حقوق جزا و جرم شناسی پردیس بین المللی ارس دانشگاه تهران

-۲۹-موسایی، میثم؛ احمدزاده، مریم؛ (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین آموزش اجتماعی و ارتکاب به قاچاق کالا (مطالعه موردى استان هرمزگان)؛ بررسی های بازرگانی

؛ مهر و آبان ۱۳۸۹ - دوره جدید - شماره ۴۳

-۳۰-وحید، مجید؛ (۱۳۸۶)؛ بحثی در سیاست گذاری فرهنگی؛ فصلنامه سیاست؛
شماره ۳۰۶

Dye, Thomas R., (2005), : Understanding public policy , .-۳۱

.: Pearson Prentice Hall , Edition 11th ed